

بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر ایلام و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن

زهرا رضایی نسب^۱

سردار فتوحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

چکیده

هر ساله به دلیل افت تحصیلی میزان زیادی از امکانات، منابع و استعدادهاى بالقوه انسانی در سازمان آموزش و پرورش و خانواده‌ها هدر می‌رود. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان در شهر ایلام صورت گرفت. برای تحقق این هدف، از روش پیمایشی - همبستگی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، دانش آموزان مقطع متوسطه ۱ و ۲ در شهر ایلام و در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بوده که با استفاده از فرمول کوکران ۱۵۲ نفر انتخاب شده و بر مبنای نمونه‌گیری تصادفی ساده در بین آنان پرسشنامه استاندارد پالوز و ماریکوتو (۲۰۱۳) و بهزادی (۱۳۹۲) توزیع شده است. بعد از جمع آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل بر مبنای spss و lisrel صورت گرفته است. یافته‌ها بیانگر آن است که عوامل درونی نظام آموزشی مانند نامناسب بودن محتوای برنامه‌ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش آموزان؛ نامناسب بودن شرایط و فضای کلاس درس با نیازها و شرایط اجتماعی-روانی دانش آموزان؛ نامناسب بودن معلمان از نظر شایستگی‌ها و شیوه تدریس؛ تعامل معلم و شاگرد و همچنین عوامل بیرونی نظام آموزشی مانند فقر و محرومیت اقتصادی، وضعیت خانوادگی و فقر فرهنگی بر مساله افت تحصیلی دانش آموزان در شهر ایلام تاثیر معناداری دارد.

کلید واژه‌ها: افت تحصیلی، فقر اقتصادی، مسائل خانوادگی، روش تدریس، ایلام.

۱ عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. z.rezaeiasab@ilam.ac.ir

۲ دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.

مقدمه

مساله افت تحصیلی^۱ یکی از قدیمی ترین و شناخته شده ترین مشکلات آموزشی به شمار می رود و از آن به عنوان بلای تعلیم و تربیت یاد کرده اند. این موضوع در تمام کشورها اعم از پیشرفته صنعتی و یا در حال رشد مطرح و در تمام زمان ها، به نحو خاص خود بروز کرده است (سررشته‌دار، ۱۳۷۸ به نقل از گل محمدی و کیمیایی، ۱۳۹۳). این پدیده نیز در کشور ما از پدیده‌های مهم سازمان آموزش و پرورش است که به صورت یک مسأله‌ای مهم درآمده که نظر غالب جامعه‌شناسان و روانشناسان و مربیان تربیتی را به خود جلب کرده است. پدیده‌ای که هرساله مقادیر قابل توجهی از منابع و سرمایه‌های انسانی و اقتصادی جامعه را تلف نموده و آثار مخرب و ناگواری را نیز در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد مردود به جای می‌گذارد. باید به مسأله افت تحصیلی اندیشید، زیرا از پیامد ناگوار این پدیده به راحتی نمی‌توان گذشت که تحقیقات مختلفی مثل توده‌رنجبر و عراقی (۱۳۹۷) و ذاکری‌زاده (۱۴۰۱) نیز بر آن صحنه می‌گذارند. در اینجا سعی می‌شود به چهار جنبه مهم افت تحصیلی از دیدگاه (دوستی و شفیع، ۱۳۹۹: ۵۰) به طور مختصر توجه شود: غیبت مطلق از مدرسه؛ ترک تحصیل قبل از موعد مقرر؛ تکرار پایه تحصیلی؛ کیفیت نازل تحصیلات.

از آنجایی که دو جنبه فوق یعنی تکرار یک پایه تحصیلی و کیفیت نازل تحصیلات سنگین‌ترین هزینه را برای نظام آموزش و پرورش ما دارد لذا این پژوهش به این دو جنبه از افت تحصیلی توجه داشته و هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل مهمی است که سبب تکرار یک پایه تحصیلی و کیفیت نازل تحصیلات در دانش آموزان دوره متوسطه عمومی می‌گردد، زیرا که سازمان بزرگ آموزش و پرورش در ایران به یک مشکل آموزشی به نام «افت تحصیلی» دانش‌آموزان در مقاطع مختلف روبرو است، چنانچه آمارهای سال ۱۳۹۵ در دوره ابتدایی ۲/۳ درصد، در دوره متوسطه اول ۵/۶ درصد و متوسطه دوم ۳/۰ درصد دانش‌آموزان مردود شده‌اند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۰ در دوره ابتدایی ۱/۱ درصد، در دوره راهنمایی ۴/۶ درصد و در دوران متوسطه ۰/۸ مردود بوده‌اند که این وضعیت در بین گروه‌های کم درآمد و بی‌سرپرست و استان‌های محروم بیشتر است (طاهری و بهدار، ۱۳۹۵). در واقع علیرغم وضعیت اقتصادی که در بین گروه‌های کم درآمد و بدون سرپرست مشاهده شده است، علل و عوامل متعددی باعث ایجاد افت تحصیلی یا اتلاف در نظام آموزش و پرورش می

^۱ . Dropout

گردند که می توان آنها را به علل و عوامل داخلی شامل نامناسب بودن هدف ها و محتوی برنامه ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش آموزان، نامناسب بودن روشها و امکانات آموزش و پرورش با محتوی برنامه ها، نامناسب بودن معلمان از نظر صلاحیت ها و شایستگی ها، نیازهای برنامه ها، نامناسب بودن مقررات و شرایط و فضای مدرسه با نیازها و شرایط اجتماعی و روانی دانش آموزان، نامناسب بودن روش های ارزشیابی، سنجش، یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان (بازرگان، ۱۳۷۹)؛ و عوامل خارجی نظام آموزش و پرورش شامل فقر و محرومیت اقتصادی، شرایط و عوامل فرهنگی و اجتماعی، شرایط و عوامل خانوادگی تقسیم نمود. البته باید این نکته را در نظر داشت که این عوامل قابل تفکیک نبوده و متاثر از یکدیگر می باشند.

حق تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین حقوق اساسی هر انسانی است و فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش همگانی برای شکوفایی ابعاد معنوی و مادی انسان ها و تامین حقوق همه انسان های یک جامعه ضروری است. علاوه بر این با امکانات آموزش و پرورش عمومی و مطلوب می توان منابع انسانی جامعه را توسعه و تکامل بخشید، سلامت و بهداشت افراد جامعه را تامین نموده، فرهنگ جامعه را غنی ساخت، ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی را فراهم آورد و نیروی انسانی مورد نیاز رشد اقتصادی را پرورش داد. مشکلات آموزش و پرورش از جمله مساله «افت تحصیلی» به حدی بغرنج شده است که هر ساله دهها و صدها کتاب و مجله و نشریه در جهان، خصوصاً در ایران در این مورد چاپ شده است و سمینارهای مختلف که غالباً جامعه شناسان و روانشناسان را به بررسی و تجربه و تحلیل و ارائه راه حل دعوت می نمایند، برگزار می شود. از این لحاظ که افت تحصیلی دامن دانش آموزان زیادی را گرفته است و خانواده های آنان را نیز در این ماجرا درگیر کرده است لذا دارای اهمیت بررسی می باشد. به همین دلیل باید به مقوله افت تحصیلی توجه بیشتری نمود تا بتوان با شناخت آن، توانایی ها و شایستگی های کودکان و نوجوانان را بارور کرد و عواملی که با افت تحصیلی رابطه دارند و در کاهش آن مؤثرند را شناسایی کرد. پیامد چنین تحقیقاتی باعث شناسایی عوامل مرتبط با پدیده افت تحصیلی و نهایتاً برخورد صحیح و مبارزه اصولی با چنین پدیده ای باعث ایجاد سلامت روحی و روانی دانش آموزان، خانواده ها و همچنین ایجاد جو با نشاط فرهنگی و امیدواری به آینده در خانواده ها می گردد.

بدین ترتیب پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اصلی است که: «چه عواملی باعث افت تحصیلی در دانش آموزان شهر ایلام می شود؟».

لذا هدف کلی پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر ایلام است و اهداف فرعی آن شامل:

- شناسایی عوامل درونی نظام آموزشی مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر ایلام

شناسایی عوامل اقتصادی (برون نظام آموزشی) مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر ایلام

شناسایی عوامل فرهنگی (برون نظام آموزشی) مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر ایلام

به عقیده نظریه پردازان کنترل اجتماعی، احساس تعلق و پیوستگی به مدرسه، معاشرت فرد را با گروه های اجتماعی افزایش می دهد و فرصت هایی را برای کسب مهارت ها و رفتارهای اجتماعی مهیا می کند. به علاوه زمانی که بچه ها نسبت به مدرسه احساس پیوند و تعلق می کنند، احتمال اینکه وارد رفتارهای انحرافی شوند کمتر است. زیرا این گونه رفتارها عضویت دائمی و تعلق آنها را به مدرسه در معرض خطر قرار می دهد. هیرشی (۱۹۶۹) رابطه میان پیوند و تعلق به مدرسه را با بزهکاری مورد بررسی قرار داد. گزارش او از یافته ها این بود که دانش آموزانی که مدرسه را دوست دارند و به آنچه معلمان ر مورد آنها تصور می کردند، علاقه مند بودند نرخ پایین تری از بزهکاری را نسبت به آنها که کمتر به مدرسه علاقه مند بودند، داشتند. در تبیین رابطه معلم-شاگرد بسیاری از نظریه حمایت اجتماعی سود جسته اند. حمایت اجتماعی، میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. دورکیم در کتاب «آموزش اخلاقی» به تحلیل نظام کنش متقابل در درون کلاس می پردازد. او کلاس درس را در وهله اول نوعی جامعه خرد تلقی می کند و اصول تحلیل جامعه های بزرگتر را همچون تقسیم کار، ساختار قدرت و پایگاه افراد، در مورد کلاس به کار می برد. او کارکرد اساسی نهاد تحصیلی را آموزش اخلاقی می داند. یعنی مجموعه قواعدی برای عمل که رفتار افرادی را که در جمع زندگی می کنند پیشاپیش تعیین می کند. این قواعد و نظم باید توسط مدرسه منتقل شود. اما جامعه پذیری افراد و متعهد ساختن آنها به انضباط و قواعد اخلاقی در جوامع سازمان یافته امروزی از طریق موعظه و تلقین امکان پذیر نیست. بلکه از

طریق اقتناع و توضیح دادن است (شرکاوی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). از جمله صاحب‌نظرانی که در تحلیل شکست تحصیلی برخلاف ادبیات متعارف رویکرد تازه ای دارد، «ویلیام گلاسر» است. به عقیده او رهیافت های مرسوم در ریشه یابی علل شکست تحصیلی چنان درگیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی هستند که به نقش خود آموزش و پرورش که فی نفسه منجر به شکست محصلان می شود، نگاه عمیقی نداشته اند. مانع اصلی از نظر او، فلسفه آموزش و پرورش فعلی است که مبتنی بر عدم رابطه عاطفی و عدم ارتباط میان مطالب و تاکید محدود روی تفکر است. اکثر افرادی که دچار شکست تحصیلی می شوند، در برقراری روابط گرم و صمیمانه و سازنده با معلمان شکست خورده اند و با دیدی ناامیدانه و انفعالی احساس می کنند که در دنیا فرصت کمی برای موفقیت یا شاد بودن دارند. وقتی به این باور می رسند که مدرسه در زندگی کمکی به آنها نخواهد کرد، باعث می شود هیچ تلاشی برای موفقیت در تحصیل نداشته باشند. بسیاری از بچه ها در برابر فقدان روابط انسانی تسلیم هستند. این ایده مرسوم که بچه ها محصول وضعیت اجتماعی خاصی هستند که مانع موفقیت آنها می شود، از نظر گلاسر مردود است. چنین نظریاتی مسئولیت فرد را در شکست نادیده می گیرند (گلاسر، ۱۳۸۴: ۱۹).

روش های ارزشیابی، سنجش، یادگیری در زمینه پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان از متغیرهای مهم می باشد. ارزشیابی آخرین حلقه از فعالیت های آموزشی معلم و تکمیل کننده سایر فعالیت های او است. متخصصین این حوزه به منظور این که فرایند ارزشیابی بتواند در راستای بهبود فرایند آموزش به آن ها کمک کند آن را به سه مرحله تقسیم کرده اند: ۱) ارزشیابی ورودی: به منظور آگاهی از توانایی ها و آمادگی های قبلی دانش آموز برای شروع مناسب فرایند یاددهی- یادگیری و جبران نارسایی ها و کاستی های احتمالی دانش آموز در آغاز سال تحصیلی توسط معلمان انجام می گیرد. ۲) ارزشیابی تکوینی: به منظور تقویت اعتماد به نفس، تحکیم آموخته های دانش آموز، آگاهی معلمان از نقاط قوت و ضعف درسی و نحوه عملکرد دانش آموز در فرایند یاددهی، یادگیری و پرورش روحیه تحقیق، تفکر، ابتکار و فعالیت های گروهی، تدارک بازخورد مناسب به معلمان، دانش آموزان، اولیاء و اتخاذ روش های مناسب به منظور بهبود فرایند یاددهی- یادگیری انجام می شود. ۳) ارزشیابی پایانی: به منظور حصول اطمینان از میزان تحقق هدف های آموزشی و پرورشی و حصول اطمینان لازم برای احراز شرایط قبولی در هر درس و ارتقاء دادن به کلاس های بالاتر و دادن امتیازات

تحصیلی انجام می گیرد (سیف، ۱۳۹۵). عدم استفاده از این سه مرحله در فرایند ارزشیابی باعث می گردد مسئولین آموزشی نسبت به وضعیت تحصیلی دانش آموزان ناآگاه باشند.

ریمون بودون نابرابری طبقات اجتماعی در راه یابی به آموزش عالی را نتیجه خرده فرهنگ طبقات می داند. به عقیده او در طبقات کم بضاعت افراد غالباً تصور می کنند که موفقیت بستگی به عواملی دارد که کنترل آنها، خارج از اختیار فرد است. طبقات کم بضاعت بیشتر جنبه اقتصادی موفقیت را مدنظر قرار می دهند. لذا توجه به تحصیلات در طبقات کم بضاعت ضعیف تر است. به دنبال تحصیل رفتن برای شخصی که فکر می کند می تواند آینده اش را با تحصیل بسازد، بیشتر معنی دار خواهد بود. اما اگر شخصی فکر کند که آینده اش در هر حال خارج از کنترل و اراده اوست و تلاشش بجایی نخواهد رسید توجه ای به کسب علم نخواهد داشت. تفسیر دیگری که از مکانیزم نابرابری طبقات در دستیابی به موفقیت آموزشی ارائه شده این است که این نابرابری نتیجه نوعی محاسبه اقتصادی خانواده ها و نوجوانان است. یعنی بین سطح آموزشی و امیدهای اقتصادی و اجتماعی رابطه وجود دارد. این مساله به این شکل تبیین می شود که هزینه های یک آموزش اضافی به نسبت بودجه خانواده برای یک خانواده کم بضاعت بسیار سنگین تر است تا برای یک خانواده مرفه. زیرا خانواده کم بضاعت گرایش بیشتری به کم برآورد کردن مزایای اقتصادی حاصل از آموزش اضافی دارد. زیرا شرایط فقیرانه زندگی ایجاب می کند که توجه بیشتری به زمان حال داشته باشد و نهایتاً به این امر ختم می شود که منافع نسبی آینده در رابطه با منافع نقد حاضر، کمتر ارزیابی شود. در نتیجه نوجوانان متعلق به طبقات کم بضاعت وقتی در برابر تصمیمی آموزشی (مثلاً انتخاب میان ادامه تحصیل یا متوقف کردن آن) قرار می گیرند، نسبت به نوجوان طبقه مرفه هزینه های آموزشی را بیش از میزان واقعی آن برآورد می کنند. لذا بین خاستگاه اجتماعی و سرمایه گذاری آموزشی رابطه و همبستگی وجود دارد. یکی از مکانیزم های دیگر نیز در تفاوت در موفقیت میان طبقات وجود دارد که ناشی از زبانی است که مردم فقیر در گفتگو به شکلی متفاوت از مردم مرفه به کار می برند. شیوه های زبانی طبقات با محیط فرهنگی هر اجتماع یا محله ای پیوند و انطباق دارد (بودون، ۱۳۹۰). بورديو نقش خانواده را مهم تر از مدرسه می داند چرا که به عقیده او فرد از طریق خانواده خود شایستگی های اجتماعی و زبان شناختی و ویژگی هایی نظیر سبک و راه و روش کار را می آموزد. این خانواده است که به کودک انتظاراتی در مورد آینده اش می بخشد، ملاک های موفقیت را به او می آموزد و اطلاعات خاصی در مورد ارزش های مسلط بر مدرسه را به وی منتقل می کند. به عقیده بورديو،

نقش مدرسه این است که سرمایه فرهنگی موجود در خانواده را به موفقیت آموزشی تبدیل کند. کسانی که دارای سطح مناسبی از سرمایه فرهنگی هستند می توانند آن را به مدرک رسمی تبدیل کنند. به نظر بوردیو درجه بالای موفقیت درسی کودکان متعلق به طبقات متوسط و بالا به علت تطابق فرهنگی این کودکان با فرهنگ مدرسه است. بوردیو در عین آگاهی از اهمیت عوامل اقتصادی مرتبط با موقعیت طبقاتی (نظیر درآمد و شرایط زندگی) معتقد است که تفاوت های فرهنگی به مراتب مهم تر از تفاوت های دیگر است. نگرش ها و تجربه های خانواده از جمله عوامل موثر بر احتمال موفقیت کودک در مدرسه است. به اعتقاد بوردیو فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی کودک عامل مهمی در تعیین موفقیت کودک در نظام آموزشی محسوب می شود. به طوری که سرمایه فرهنگی بتدریج به سرمایه تحصیلی مثل نمره بالا، تشویق نامه، جوایز و ... منجر می شود. به عقیده بوردیو در کشوری مثل فرانسه معلمان چون از میان دانش آموزان کاملاً موفق انتخاب می شوند، بیشتر متمایل به طرد دانش آموزانی می شوند که از لحاظ خاستگاه اجتماعی با آنها تفاوت دارند (شارع پور، ۱۳۹۴).

بنابراین بر مبنای آنچه که ذکر شد می توان فرضیه های پژوهش را مطرح کرد:

نامناسب بودن محتوی برنامه ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش آموزان بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

نامناسب بودن روشها و امکانات آموزش و پرورش با محتوی برنامه ها بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

- نامناسب بودن معلمان از نظر صلاحیت ها و شایستگی ها، نیازهای برنامه ها بر افت تحصیلی تأثیر معناداری دارد.

نامناسب بودن شرایط و فضای کلاس درس با نیازها و شرایط اجتماعی و روانی دانش آموزان بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

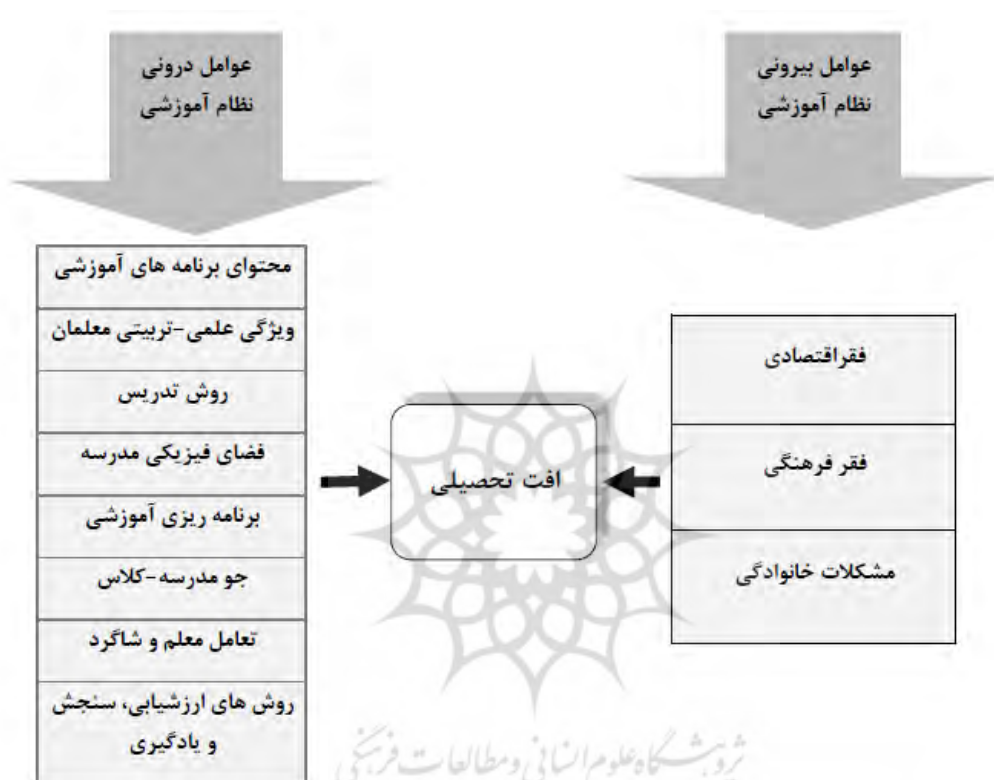
- تعامل معلم و شاگرد بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

روش تدریس معلمان بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

فقر و محرومیت اقتصادی بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

فقر فرهنگی بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.
مشکلات خانوادگی بر افت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

مدل تحقیق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

روش پژوهش در تحقیق حاضر براساس هدف، کاربردی می باشد و نوع جمع آوری داده ها از نوع توصیفی، پیمایشی و همبستگی می باشد. بنابراین با استفاده از روش اجرای پیمایشی، ۶۹ سوال بر اساس فرضیات و متغیرهای اصلی و ۱۳ سؤال براساس متغیرهای زمینه‌ای ترتیب داده شد و در اختیار پاسخگویان (دانش آموزان مقطع متوسطه) قرار گرفت.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه شده است: $(p = q = 0.5)$

$$n = \frac{nt^2 pq}{nd^2 + t^2 pq} = \frac{753(96/1)^2 * 0.5 * 0.5}{753(0.05)^2 + (96/1)^2 * 0.5 * 0.5} = 152$$

با توجه به رابطه فوق تعداد حجم نمونه ۱۵۲ نفر محاسبه گردید. در این محاسبه خطای موردنظر ۰/۰۵ درصد و ضریب اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته شده است. با توجه به محدودیت‌های مربوط به هزینه و عدم پاسخگویی و همکاری مدارس، سعی شده است از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین شهرهای استان یک یا دو شهر (متناسب با تعداد نمونه‌ها) انتخاب شود، در نهایت شهر ایلام به تنهایی به عنوان تنها خوشه انتخاب شد. بنابراین با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، پرسشنامه در بین آنان توزیع شده است. از آنجا که پژوهش حاضر به صورت کمی می‌باشد. ابزار جمع‌آوری این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. همچنین اطلاعات مربوطه به بخش پیشینه تحقیق، چارچوب نظری و مفاهیم کلیدی به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری می‌شود.

به منظور تحلیل ساختار درونی پرسشنامه و کشف عوامل تشکیل دهنده هر سازه، روایی سازه با استفاده از ابزار تحلیل عاملی تاییدی انجام شده است. همچنین از روایی محتوایی یعنی استفاده از نظرات ده متخصص در حوزه علوم اجتماعی، روان شناسی و علوم تربیتی در زمینه محتوای آزمون استفاده شده است. با استفاده از آلفای کرونباخ نیز پایایی گویه‌ها اندازه‌گیری شد. بعد از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه که قبلاً فرم‌های CVI و CVR توسط اساتید و کارشناسان رشته مدیریت بازرگانی بین الملل به صورت استاندارد درآمد، داده‌ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و

تحلیل قرار گرفته شد. در تجزیه و تحلیل توصیفی از یکسو ویژگی‌های کلی آزمودنی‌ها، که برای متغیرهای اسمی و ترتیبی شاخص‌های پراکندگی مانند فراوانی^۱، درصد فراوانی^۲، درصد تجمعی^۳ و از سوی دیگر شاخص‌های گرایش مرکزی و انحرافی مربوط به هر یک از متغیرهای فاصله‌ای با شاخص‌هایی همچون میانگین^۴، مد^۵، میانه^۶، انحراف معیار^۷، واریانس^۸، مینیمم^۹ و ماکزیمم^{۱۰} مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم این فصل تحت عنوان نتایج استنباطی یافته‌ها، ابتدا به توزیع نرمال متغیرهای پژوهش پرداخته شده و سپس فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است و نتایج با استفاده از تحلیل عاملی و تحلیل معادلات ساختاری آزمون گردید.

وضعیت جمعیت شناختی نمونه‌های تحقیق

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت جنسیت: ۴۸٫۱ درصد (۷۳ نفر) از نمونه‌های پژوهش مرد و ۵۱٫۹ درصد (۷۹ نفر) زن بوده‌اند. ۲۶ درصد در گروه سنی ۱۴ سال، ۱۹/۱ درصد در گروه سنی ۱۳ سال و ۱۹ درصد در گروه سنی ۱۵ سال بودند.

از نظر سطح تحصیلات، بیشترین درصد فراوانی (۸۴ درصد) مربوط به متوسطه اول می‌باشند. همچنین یافته‌های حاصل از توزیع نمونه‌ها برحسب سطح تحصیلات مادر بیانگر آن است که بیشترین فراوانی (۶۴ درصد) مربوط به سطح تحصیلات بیسواد و ابتدایی؛ و در مورد تحصیلات پدر نیز بیشترین فراوانی (۴۱ درصد) مربوط به سطح تحصیلات راهنمایی و دبیرستان بوده است^{۱۱}.

• همچنین میزان درآمد در این خانواده‌ها بسیار پایین است به طوری که میزان درآمد بالاتر از ۱ میلیون، تنها ۴۳ درصد را شامل می‌شود. ۴۵ درصد از نمونه‌ها در خانواده‌شان بدون ماشین بوده‌اند. همچنین ۷۹ درصد از این دانش آموزان ذکر کرده‌اند که در خانواده‌هایی

1 . Frequency
2 . Frequency Percent
3 . Cumulative Percent
4 . Mean
5 . mode
6 . Median
7 . Std. Deviation
8 . Variance
9 . Minimum
10 . Maximum

زندگی می کنند که هیچ پس اندازی ندارند. برحسب وضعیت سکونت نیز ۵۵ درصد به صورت اجاره ای زندگی می کنند.

میانگین معدل ترم اول این دانش آموزان ۱۵/۳، و میانگین معدل ترم دوم، ۱۵/۷ بوده است. ۶۸ درصد از این دانش آموزان در نیمه اول هیچ نمره تجدیدی نداشتند، در نیمه دوم نیز ۴۲ درصد هیچ نمره تجدیدی نداشته اند. برحسب متغیر غیبت در کلاس نیز ۳۸ درصد بدون غیبت، ۴۶ درصد یک روز غیبت داشته اند. ۷۸ درصد از این دانش آموزان هیچ وقت تصمیم به ترک تحصیل نگرفته اند. از لحاظ تعداد سال های مردودی نیز ۷۴ درصد بدون مردودی بوده اند.



جدول ۱۱) شاخص های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق

انحراف استاندارد		کشیدگی	چولگی	واریانس	انحراف معیار	میانه	مد	میانگین	تعداد	متغیرهای مستقل
کشیدگی	چولگی									
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	-۰/۴۵۶	-۰/۸۵۸	-۰/۷۳۹	۰/۸۵	۲	۱,۶۷	۲,۳	۱۵۲	فقر و محرومیت اقتصادی
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	۱,۵۴	-۰/۴۸۷	-۰/۲۵۶	-۰/۵۰۵	۲,۶۶	۲,۵۶	۲,۷۶	۱۵۲	عوامل فرهنگی-اجتماعی
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	۱,۹۱	۱,۱۹	-۰/۴۶	-۰/۶۸	۲,۲	۱,۹	۲,۴	۱۵۲	عوامل خانوادگی
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	۴,۷۶	-۰/۴۵۳	-۰/۲۷۰	-۰/۵۱۹	۳,۲۲	۳	۲,۴۲	۱۵۲	تعامل معلم و شاگرد
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	-۰/۰۸۵	-۰/۰۶۷	-۰/۶۲۱	۰/۷۸	۲,۷	۳	۲,۶۳	۱۵۲	نامناسب بودن محتوای برنامه ها با نیازها، استعداد و علایق دانش آموزان
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	-۰/۳۷۴	-۰/۵۲۲	۰/۷۹	۰/۸۸	۴	۳,۶	۳,۸	۱۵۲	نامناسب بودن روش ها و امکانات آموزش و پرورش با محتوای برنامه ها
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	۰/۶۹۳	-۰/۸۲۹	۰/۶۳	۰/۷۲	۳	۳,۲	۳,۰۴	۱۵۲	جو و محیط مدرسه
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	۴,۷۶	-۰/۴۵۳	-۰/۲۷۰	-۰/۵۱۹	۳,۲	۳	۳,۲۹	۱۵۲	روش تدریس معلمان
-۰/۳۹۱	-۰/۱۹۷	-۰/۰۸۵	-۰/۰۶۷	-۰/۶۲۱	۰/۷۸۸	۲,۷	۳	۲,۶۳	۱۵۲	نامناسب بودن معلمان از نظر صلاحیت ها و ویژگی های علمی

جدول ۱۲) شاخص های توصیفی متغیر وابسته

انحراف ضریب		کشیدگی	چولگی	واریانس	انحراف معیار	میانه	مد	میانگین	تعداد	متغیر وابسته
کشیدگی	چولگی									
-۰/۳۹۱	۰/۱۹۷	-۱,۳۸	-۰/۷۶	۲,۳۱	۱,۵	-۰/۳۱	-۱,۵	-۰/۶۹	۱۵۲	افت تحصیلی

نتایج استنباطی یافته‌های پژوهش

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه های پژوهش در ابتدا به بررسی نرمال بودن متغیرها پرداخته می‌شود. بنابراین در ابتدا این شرط برای متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۱۳) آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای تحقیق

P-value	Z کولموگروف-اسمیرنوف	شاخص‌ها
۰ / ۳۰۱	۱ / ۴۶۱	فقر و محرومیت اقتصادی
۰ / ۱۶۴	۱ / ۴۲۵	عوامل فرهنگی-اجتماعی
۰ / ۲۶۵	۱ / ۳۰۲	عوامل خانوادگی
۰ / ۱۰۱	۱ / ۱۹۸	تعامل معلم و شاگرد
۰ / ۳۱۵	۱ / ۵۴۷	نامناسب بودن محتوای برنامه‌ها با نیازها، استعداد و علایق دانش‌آموزان
۰ / ۰۷۳	۱ / ۸۲۱	نامناسب بودن روش‌ها و امکانات آموزش و پرورش با محتوای برنامه‌ها
۰ / ۰۸۷	۱ / ۷۷۶	روش تدریس معلمان
۰ / ۵۲۳	۲ / ۰۲۱	جو و محیط مدرسه
۰ / ۱۷۵	۱ / ۲۹۱	نامناسب بودن معلمان از نظر صلاحیت‌ها- و ویژگی‌های علمی
۰ / ۲۵۸	۱ / ۶۲۰	افت تحصیلی

با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول بالا برای متغیرهای پژوهش، بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که توزیع متغیرهای ذکر شده تفاوت معناداری با توزیع نرمال نداشته است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که توزیع متغیرهای تحقیق نرمال بوده است.

آزمون کفایت نمونه (KMO)

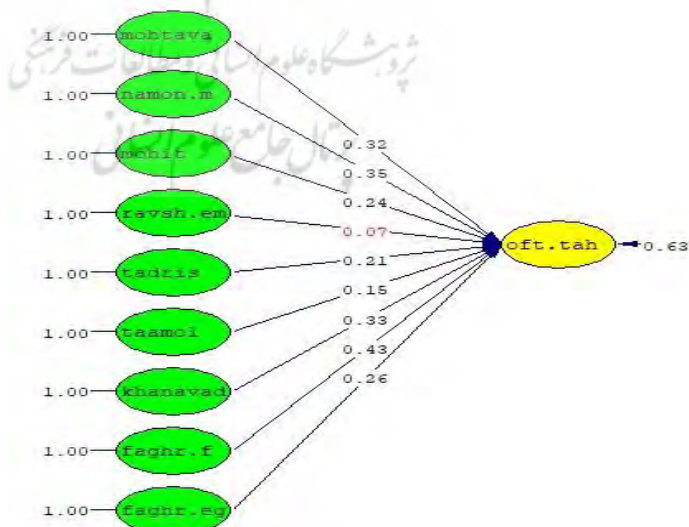
از پیش نیازهای استفاده از معادلات ساختاری لیزرل بررسی کفایت نمونه مورد بررسی می‌باشد، که برای بررسی این مهم، از آزمون کفایت نمونه برداری KMO استفاده شده است:

جدول (۱۴) آزمون کفایت نمونه برای متغیرهای پژوهش

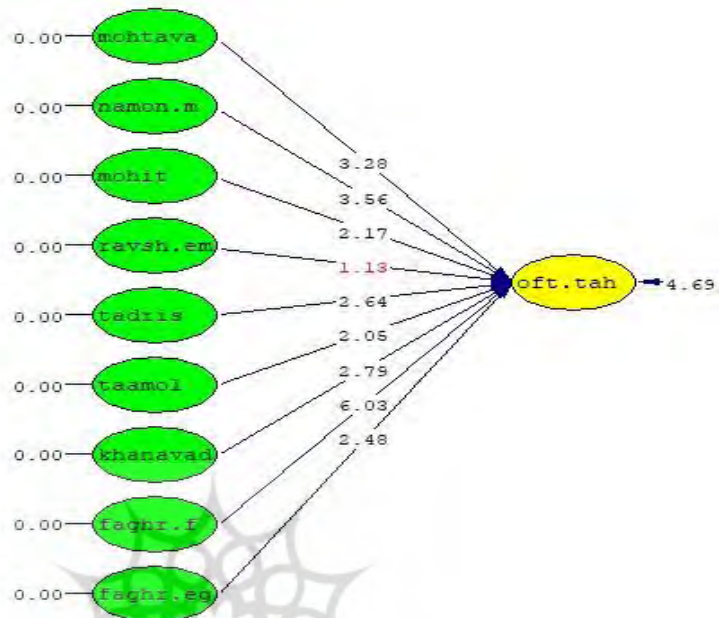
۰/۹۶۴	آزمون کفایت نمونه برداری	
۸۳۴۷ / ۲۱۴	شاخص کروییت بارتلت	آزمون کروییت بارتلت
۲۴۸	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	

مقدار کفایت نمونه‌گیری معادل با ۰/۹۶۴ است. بنابراین میزان نمونه برای استفاده از معادلات ساختاری مناسب می‌باشد.

مدل یابی معادلات مدل تحقیق



شکل ۲) مدل نهایی تحقیق (در حالت استاندارد)



شکل ۳) مدل نهایی تحقیق (در حالت معناداری)

سایر مقادیر مدل نهایی در جدول شماره ۱۵) مشاهده می‌شود که با توجه به آنچه در شکل (۲) و (۳) بوده است، بیان شده است.

جدول (۱۵) مقادیر مدل نهایی

نتایج	سطح معناداری	مقدار واریانس تبیین شده ^۱	سطح معناداری ^۲	خطای استاندارد ^۳	مقدار استاندارد شده	روابط مفاهیم با شاخص‌ها در مدل
تأیید فرضیه	P<0.01	۰/۶۳	۳/۲۸	۰ / ۳۰	۰/۳۲	نامناسب بودن محتوی برنامه‌ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش آموزان بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
رد فرضیه	-	۰/۶۳	۱/۱۳	۰ / ۳۳	۰/۰۷	نامناسب بودن روشها و امکانات آموزش و پرورش با محتوی برنامه‌ها بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.01	۰/۶۳	۳/۵۶	۰ / ۱۶	۰/۳۵	نامناسب بودن معلمان از نظر صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها، نیازهای برنامه‌ها بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.05	۰/۶۳	۲/۱۷	۰ / ۲۱	۰/۲۴	نامناسب بودن شرایط و فضای کلاس درس با نیازها و شرایط اجتماعی و روانی دانش آموزان بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.05	۰/۶۳	۲/۰۵	۰ / ۳۳	۰/۱۵	تعامل معلم و شاگرد بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی

۱ . R2

۲ . T-value

۳ . Standard Error

						در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.01	۰/۶۳	۲/۶۴	۰ / ۳۸	۰/۲۱	روش تدریس معلمان بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.05	۰/۶۳	۲/۴۸	۰ / ۲۷	۰/۲۶	فقر و محرومیت اقتصادی بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.01	۰/۶۳	۶/۰۳	۰ / ۴۶	۰/۴۳	فقر فرهنگی بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.
تأیید فرضیه	P<0.01	۰/۶۳	۲/۷۹	۰ / ۳۹	۰/۳۳	مشکلات خانوادگی بر افت تحصیلی دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی در استان ایلام تأثیر معناداری دارد.

مقادیر سطح معناداری که حاصل تقسیم برآورد بارعاملی بر خطای استاندارد است، نشان دهنده‌ی معنی داری برآورد بارعاملی (تفاوت معنی دار بار عاملی با صفر) است. مقادیر سطح معناداری بین ۱/۹۶- و ۱/۹۶ نشان دهنده عدم وجود اثر معناداری میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر سطح معناداری بین ۱/۹۶ و ۲/۵۸ نشان دهنده‌ی اثر معناداری با بیش از ۹۵٪ اطمینان میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر سطح معناداری مساوی و بزرگتر از ۲/۵۸ نشان دهنده‌ی اثر معناداری با بیش از ۹۹٪ اطمینان میان متغیرهای مکنون مربوطه است. بنابراین همانطور که در ستون سطح معناداری مشاهده می‌شود اثر متغیرها بر یکدیگر با بیش از ۹۹٪ اطمینان، مورد تأیید می‌باشند. در نهایت ستون واریانس تبیین شده نشان دهنده مقدار واریانس تبیین شده‌ی روابط بین متغیرهای مکنون است. مقادیر بیشتر تا سقف یک نشان دهنده‌ی مناسبت بیشتر روابط بین متغیرهای تحقیق است.

برازش مدل تحقیق

برازش مدل به این معنی است که ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده شده یا ماتریس واریانس-کوواریانس پیش‌بینی شده توسط مدل باید مقادیری نزدیک به هم داشته باشد یا اصطلاحاً برازش داشته باشند. هر چه مقادیر ما در دو ماتریس به هم نزدیک تر باشند، مدل دارای برازش بیشتری است. در مدل‌یابی معادلات ساختاری هنگامی می‌توان به برآوردهای مدل اعتماد کرد که مدل دارای برازش کافی باشد. در واقع شاخص‌های نیکویی برازش ناشی از تحلیل عامل تأییدی گویه‌های پژوهش به شرح جدول شماره ۱۶ است.

جدول ۱۶) شاخص‌های برازش متغیرهای پژوهش

وضعیت	مقدار قابل قبول	مقدار کسب شده	شاخص‌ها
برازش مطلوب	بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۳۳	GFI
برازش مطلوب	بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۵۱	AGFI
برازش مطلوب	بین ۰/۹۰ و ۱	۰/۹۶۱	CFI
برازش مطلوب	مقدار کمتر از ۳	۱/۳۴	CMIN/df

با توجه به جدول فوق کلیه شاخص‌های مورد بررسی به منظور ارزیابی برازش مدل عاملی تأییدی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. با توجه به این مطلب می‌توان بیان نمود که برازش این مدل تأیید شده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اصلی بود که: «چه عواملی باعث افت تحصیلی در دانش آموزان تحت پوشش سازمان بهزیستی می‌شود؟». با توجه به جدول (۱۵) و شکل (۲) و (۳)، نتیجه تحلیل فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نتایج مدل یابی معادلات ساختاری به شرح زیر است: نامناسب بودن محتوی برنامه‌ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش آموزان بر افت تحصیلی دانش آموزان شهر ایلام در سطح معناداری ۰/۹۹ اطمینان، تأثیر معناداری دارد. در واقع زمانی که محتوای برنامه‌ها متناسب با نیازها، استعدادها و علایق دانش‌آموزان نباشد دانش‌آموزان آن را نمی‌فهمند، به آن علاقه نشان نمی‌دهند، انتزاعی به نظر می‌رسد و دانش‌آموزان از آن گریزان هستند، لذا از آن فاصله می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شود. همچنین شرایط و جو کلاس بایستی متناسب با نیازها، وضعیت جسمانی و روانی دانش‌آموزان باشد در غیر اینصورت مانع پیشرفت تحصیلی آنان خواهد بود، تمرکز آنان را به هم می‌ریزد، از لحاظ جسمی احساس خستگی مفروض می‌کنند و درس و کتاب برای آنان عذاب آور می‌شود و از آن گریزان می‌شوند. چنانچه نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که «نامناسب بودن شرایط و فضای کلاس درس با نیازها و شرایط اجتماعی و روانی دانش آموزان بر افت تحصیلی دانش‌آموزان در سطح معناداری ۰/۹۵ اطمینان و با میزان تأثیر ۰/۳۴ معنادار بوده است». به تاسی از امرایی (۱۳۹۵) می‌توان گفت که عامل تقویت‌کننده دیگر، معلمان هستند، متأسفانه معلمانی در کلاس درس تدریس می‌کنند که به علایق، سلیق و نیازها توجهی نمی‌کنند، همان کتاب‌هایی تدریس می‌شود که برای اقشار مرفه، مدارس معمولی و تیزهوشان تدریس می‌شود. در واقع این وضعیت یعنی معلمان صلاحیت و شایستگی لازم را ندارند، روش تدریس متن محور و فاقد توجه به دانش‌آموز می‌باشد. لذا نامناسب بودن معلمان از نظر صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها، نیازهای برنامه‌ها بر افت تحصیلی دانش‌آموزان در سطح معناداری ۰/۹۹ اطمینان و با میزان تأثیر ۰/۳۵ معنادار بوده است. در واقع این عدم توجه به نیازها، علایق و شرایط روحی دانش‌آموزان بیشتر ناشی از عدم تعامل معلمان با دانش‌آموزان است، زمانی که این تعامل کم باشد شناخت نیازها و علایق دانش‌آموزان محقق نخواهد شد، تنها زمانی می‌توان به علایق، وضعیت روحی و روانی افراد توجه کرد که با آنان در تعامل بود ولی یافته‌ها نشان داد که تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان ضعیف است، و همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش این فرضیه را تأیید کرده است که «تعامل معلم و شاگرد بر افت تحصیلی دانش‌آموزان در سطح اطمینان ۰/۹۵ تأثیر معناداری دارد». مطابق آنچه که

نظریه تعامل بر تاکید زیادی بر احساسات فردی، دلبستگی و تعلق داشتن به نهادهای اجتماعی دارد، رفتار ضد اجتماعی جوانان به عنوان یک گسست در پیوند میان فرد و جامعه تلقی می شود. به همین شکل عدم درگیر شدن دانش آموز در مدرسه، نوعی گسست ارتباط میان فرد و نهادهای آموزشی تلقی می شود. پیوستگی و تعلق در تئوری های کنترل اجتماعی با تعهد باورها، دلبستگی و درگیری مشخص شده است. تعهد فردی به اهداف آموزشی و مدرسه به طور مستقیم بر درگیر شدن در تکالیف تحصیلی و فعالیت های درسی اثر می گذارد و به نوبه خود بر میزان وقتی که دانش آموز به مدرسه و ماندن در آن اختصاص می دهد، اثر دارد (آرچامبالت و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به اینکه این افراد در استان های محروم و کم بهره هستند و غالباً از لحاظ وضعیت خانوادگی با مشکلاتی مواجه هستند، همسو با تئوری دلبستگی است که تأکید داشت دلبستگی امن میان معلم و شاگرد قادر است تاثیرات دلبستگی ناامن با والدین را جبران کند. در واقع عدم تعامل معلمان با دانش آموزان علاوه بر عدم شناخت نیازها، علایق و وضعیت روانی دانش آموزان، باعث شیوه تدریس خاصی نیز می شود که مبتنی بر ذهنیت، استعداد و تمایل دانش آموزان نیست. چنانچه نتایج پژوهش نشان داد که روش تدریس معلمان بر افت تحصیلی دانش آموزان شهر ایلام در سطح معناداری ۰/۹۹ اطمینان و با میزان تأثیر ۰/۲۱ معنادار بوده است.

علاوه بر وضعیت مدارس و عوامل داخلی سازمانی، عوامل برون سازمانی همچون وضعیت خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی نیز بر افت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است. چنانچه این فرضیه که «فقر و محرومیت اقتصادی بر افت تحصیلی دانش آموزان شهر ایلام در سطح اطمینان ۰/۹۵ و با میزان ۰/۲۶ تأثیر معناداری دارد»، تأیید شده است. در واقع زمانی که فقر در خانواده افزایش یابد از راه های مختلفی بر دانش آموزان تأثیر می گذارد، یکی از این راه ها در مواردی به کارگیری غالب دانش آموزان به عنوان نیروی کار است. در صورتی که دانش آموزان به عنوان نیروی کاری تلقی شوند آنان انرژی و توان خود را در این راه صرف می کنند و زمانی برای درس و مدرسه باقی نخواهد ماند. یکی از راه های دیگری که فقر اقتصادی عامل افت تحصیلی می شود، نبود امکانات و وسایل مدارس و نیازهای حداقلی دانش آموزان می باشد. و در نهایت عوامل دیگری که از طریق فقر اقتصادی باعث افت تحصیلی می شود اختلاف و مسائل و مشکلات درون خانوادگی است. دغدغه بیکاری والدین، کمبود امکانات، باعث می شود دانش آموزان نتوانند بر درس و مدرسه تمرکز کنند و باعث می شود آنان افت تحصیلی داشته باشند چنانچه همسو با مایر (۲۰۰۹) و بهزادی (۱۳۹۲)؛ و بر مبنای برآورد

استاندارد متغیر مشکلات خانوادگی بر افت تحصیلی دانش آموزان که $0/33$ در سطح معنی داری $P < 0.01$ می باشد، می توان نتیجه گرفت که مشکلات خانوادگی بر افت تحصیلی دانش آموزان شهر ایلام تأثیر معناداری دارد. البته نمی توان مشکلات خانوادگی را به بعد اقتصادی آن تقلیل داد ولی بعد اقتصادی بعدی مهم و حائز اهمیت است، در کنار عوامل اقتصادی در ایجاد مشکلات خانوادگی، مسائل فرهنگی نیز حائز اهمیت است، زمانی که در خانواده ای تفهم و درک متقابل وجود نداشته باشد، نتوانند وضعیت را دریابند، خود را با دیگر اعضای جامعه هماهنگ کنند و ... می تواند مشکلات خانواده را تقویت کند؛ همچنان که یافته های پژوهشی رضاییان و همکاران (۱۳۹۴) بیان می کند این فقر فرهنگی نیز با مسائل فرهنگی در راستای افت تحصیلی هم افزایی می کند چنانچه در سطح اطمینان در سطح $0/99$ اطمینان، فقر فرهنگی بر افت تحصیلی دانش آموزان در شهر ایلام با میزان $0/43$ تأثیر معناداری دارد. با مطالعه افت تحصیلی و پی بردن به علل و عوامل آن در بین دانش آموزان مقاطع متوسطه اول و دوم متوجه می شویم که: حل مشکلات پیچیده ناشی از این مسئله، نیازمند همکاری همه جانبه ای است که بایستی از سوی همه نهادهای جامعه انجام گیرد و تصور اینکه چون افت تحصیلی یک مسئله و نارسایی آموزشی یک جامعه است، پس جلوگیری از آن نیز صرفاً منوط به تلاش نهاد آموزش و پرورش است، آنهم در زمانی که جامعه بشری بصورت یک سیستم مطرح می گردد که اجزا آن در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند، خطایی بیش نیست. با توجه به نتایج این تحقیق و در نظر گرفتن مسائل و محدودیت ها و منابع و امکانات که در برنامه ریزی آموزشی، مسائل فرهنگی، اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است. پیشنهاداتی ارائه می گردد:

گسترش فضای آموزشی و کلاس درس و در نتیجه کم کردن تعداد دانش آموزان در هر کلاس، جهت رسیدگی دبیران به دانش آموزان، خصوصاً دانش آموزان ضعیف تر. دانش آموزان از اقشار بسیار ضعیفی هستند که کمتر مورد توجه فرهنگی، منزلتی و ... بوده اند، توجه معلمان و دبیران می تواند مسکنی برای این درد و عامل برون رفت از افت تحصیلی آنان باشد.

ایجاد امکانات مناسب، و اهمیت دادن مدارس به گردش های علمی، جهت علاقمند نمودن دانش آموزان به تحصیل و مدرسه و کلاس درس.

فراهم نمودن تسهیلات لازم جهت تامین زندگی معلمان، و افزایش علاقه به کار در آنان.

نظرخواهی مداوم مسولین و برنامه ریزان از دانش آموزان و دبیران جهت برنامه ریزی در زمینه دروس و امتحانات. با توجه به اینکه در بین معلمان و دانش آموزان تعامل در حد کم بود، و فقر فرهنگی در بین دانش آموزان بالا بود، لازم است در این زمینه تلاش بیشتری شود تا آنان را منسجم کرد و با هم بودگی آنان نوعی غلبه بر فقر فرهنگی و اقتصادی است، لازم است سازمان آموزش و پرورش به تشکیل گروه های منظم و جلسات منظم و پی در پی در مدرسه جهت مشاوره و مباحثه دانش آموزان با یکدیگر و دانش آموزان با معلمان و مشاوران، مشاوران با معلمان و والدین ایجاد کند.

ارتباط برنامه های درسی با نیازهای دانش آموزان و توجه به هدف های رفتاری و کارایی اقتصادی و هماهنگی برنامه های درسی با نیازها و برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که باید از جانب مسئولان و دست اندرکاران و برنامه ریزان آموزشی و درسی مورد توجه دقیق قرار گیرد تا منابع مالی و انسانی جامعه به هدر نرود که عدم دستیابی به چنین اهدافی خود نوعی افت کلی محسوب می گردد.

کتابنامه

- افضلی، مهناز (۱۳۹۱). فراتحلیلی بر پایان نامه های انجام شده در حوزه افت تحصیلی، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- امرای، عاطفه و همکاران (۱۳۹۵)، رابطه برنامه درسی پنهان با افت تحصیلی در دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی، مطالعات پیش دبستان و دبستان، دوره یکم، شماره ۴، ۵۳-۳۵.
- بازرگان، زهرا (۱۳۷۹)، نگاهی دیگر به مساله افت تحصیلی و شیوه های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی، نشریه آموزشی-تربیتی پیوند، شماره ۲۵۳.
- بهزادی، اسماعیل (۱۳۹۲)، بررسی رابطه عوامل اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی با افت تحصیلی دانش آموزان پایه اول متوسطه شهر گله دار در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی-مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- بودون، ریمون (۱۳۹۰)، منطق اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات جاویدان.
- دادفر و همکاران (۱۳۹۲)، بررسی عوامل خانوادگی موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستان شهرستان دره شهر در سال تحصیلی ۹۱-۹۰، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره بیست و یکم، شماره ۶، ۲۳۱-۲۲۴.
- رضاییان، محمد و همکاران (۱۳۹۴)، بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روان شناسی، مشاوره و آموزش در ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۵). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، انتشارات دوران.
- ذاکری زاده، آریتا (۱۴۰۱)، بررسی رابطه افت تحصیلی و مولفه های آن با ناگویی هیجانی دانش آموزان، پیشرفت های نوین در روانشناسی، ۵ (۵۱)، ۳۷۳-۳۴۵.
- دوستی، صابر؛ شفیع، صابر (۱۳۹۹)، بررسی دلایل افت تحصیلی دانش آموزان، پژوهش و مطالعات اسلامی، ۱۳ (۲)، ۴۲-۵۲.
- شارع پور، محمود (۱۳۹۴)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت.
- شرکاو، محمد (۱۳۷۹)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، ترجمه محمد پوینده، تهران، انتشارات نقش جهان.

طاهری، محمدرضا؛ بهدار، حمیرا(۱۳۹۵)، بررسی علل و عوامل تاثیرگذار بر افت تحصیلی دانش آموزان در دوره ابتدایی، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.

فراهانی، حسین(۱۳۹۰)، شناخت و بررسی علل افت تحصیلی دانش آموزان سال اول دبیرستان در درس ریاضیات آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

قدم پور و همکاران(۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین درگیری تحصیلی و افت تحصیلی در دانش آموزان پسر و دختر سال اول دبیرستان های شهر اصفهان، فصلنامه روان شناسی تربیتی، سال دهم، شماره ۳۴.

گل محمدی، میثم؛ کیمیایی، سیدعلی(۱۳۹۳)، بررسی اثربخشی مشاوره گروهی متمرکز بر راه حل برانگیزش تحصیلی دانش آموزان دارای افت تحصیلی، فصلنامه پژوهش در آموزش، جلد اول، شماره ۲، ۶۲-۵۵.

گلاسر، ویلیام(۱۳۸۴)، نظریه انتخاب، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، انتشارات رسا.

توده رنجبر، محسن و عراقی، فاطمه (۱۳۹۷)، بررسی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش آموزان و نقش انگیزش در پیشرفت تحصیلی، پنجمین کنفرانس ملی روانشناسی علوم اجتماعی و تربیتی، بابل، <https://civilica.com/doc/799957>

ممشلی، محمد(۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان های مینودشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده خراسان رضوی، دانشگاه پیام نور مشهد.

Tadese, M., Yeshaneh, A. & Mulu, G.B. Determinants of good academic performance among university students in Ethiopia: a cross-sectional study. *BMC Med Educ* 22, 395 (2022). <https://doi.org/10.1186/s12909-022-03461-0>

Kristiyani, T., & Faturochman, F. (2022). The exploration of academic learning behavior: A study of undergraduate students in Yogyakarta. *Jurnal Psikologi Ulayat*, 9(2), 254–280. <https://doi.org/10.24854/jpu426>

Huang, C.(2011)Self concept and academic achievement: A meta analysis of longitudinal relations. *Journal of school psychology* 49, 505 -528.

Jeynes, W. H. (2008). A Meta Analysis of the Relationship Between Phonics Instruction and Minority Elementary School Student Academic Achievement. *Education and Urban Society* 40, 151 -166.

Investigating the factors affecting the academic failure of high school students in Ilam city and providing solutions to prevent it

Zahra rezaei nasab, sardar fotohi

Abstract

Every year, due to a lack of education, there is a lot of potential, human resources and potential in the organization of education and families. Based on this, the current research was conducted with the aim of identifying the factors affecting the academic failure of students in Ilam city. To achieve this goal, quantitative-survey method was used. The statistical population of the research is 1st and 2nd high school students in Ilam city, 152 people were selected using Cochran's formula and a standard questionnaire was distributed among them based on simple random sampling. After data collection, analysis has been done based on spss and lisrel. The findings indicate that the internal factors of the educational system, such as the inappropriateness of the content of the programs with the needs, talents and interests of the students; inappropriateness of classroom conditions and atmosphere with the needs and social-psychological conditions of students; inappropriateness of teachers in terms of qualifications and teaching methods; Teacher-student interaction as well as external factors of the educational system such as poverty and economic deprivation, family status and cultural poverty have a significant impact on the problem of academic failure of students in Ilam city.

KeyWords: Educational decline, Economic poverty, Family issues, Teaching method, Ilam.